بيانات معظم له در ديدار علما، طلاّب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز 19 دی ماه - 19 /دی/ 1375

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم
برادران و خواهران عزيز قمي ؛ خيلي خوش آمديد. با تشريف آوردن خودتان - اين سنّت همه ساله - اين روز بزرگ و اين خاطره فراموش نشدني را همچنان زنده و با طراوت نگه داشته ايد. جا دارد كه اين چنين خاطره هايي، هميشه زنده بماند.
حوادث در زندگي ملتها زياد است ؛ اما حوادثي كه به بركاتي منتهي شود، از قبيل بركاتي كه قيام مردم قم در نوزدهم دي به دنبال خود آورد، در دنيا كم است. بايد قدر آنها را دانست و آنها را در ذهن، در عمل و در گفتار خود زنده نگه داشت. اميدواريم خداوند شهيدان عزيز اين روز و ديگر ايام مبارك قم و همه شهداي مردم مؤمن و حزب اللّهي و انقلابي و شهيد پرور قم و ساير نقاط كشور را مشمول لطف و رحمت خود قرار دهد.
يک مطلبِ لازمِ كوتاهي را در باب مسأله مساجد اشاره كنم - به مسائلي هم كه بعداً به مناسبت ماه رمضان خواهم گفت، ارتباط پيدا مي كند - و آن اين است كه مسجد، نه فقط در زمان ما و نه فقط در كشور عزيز اسلامي ما، بلكه در نقاط مختلف عالم و در طول تاريخ، منشأ آثار بزرگ و نهضتها و حركتهاي اسلامي بزرگي شده است. مثلاً قيام مردم كشورهاي شمال آفريقا كه مسلمان هستند - مثل الجزاير و ديگر كشورهايي كه سالها در زير سلطه نظامي استعمار فرانسويها بودند - از مساجد شروع شد، كه به پيروزي هم رسيد و كشورها استقلال پيدا كردند. انقلاب در اين كشورها هم، آن روزي رو به شكست رفت و دوباره ملّتها استقلال خودشان را از دست دادند كه رابطه خود را با مساجد و با دين و ايمان مساجد قطع كردند.
در صدر اسلام هم، در زمان نبي مكرّم اسلام صلي اللّه عليه وآله وسلّم و همچنين در زمان حكومت با بركت اميرالمؤمنين عليه الصّلاةوالسّلام، مسجد مركز همه تصميم گيريهاي مهم و كارهاي بزرگ بود. نمي خواهيم از لحاظ وضع زمان، مسجد امروز را به مسجد كوفه زمان اميرالمؤمنين تشبيه كنيم ؛ زيرا اقتضاهاي هر زمان متفاوت است. به طور كلّي مسجد به عنوان يک پايگاه دين، عبوديّت و معرفت، مي تواند براي جوامع اسلامي منشأ و سرآغاز حركات بزرگ و بركات ماندگار باشد.
يكي از علل پيروزي اين انقلاب مبارك در ايران اسلامي - و يا لااقل سهولت اين پيروزي - اين بود كه مردم به مساجد اقبال پيدا كردند ؛ جوانان مساجد را پر كردند و علماي اعلام، مساجد را به عنوان مركزي براي تعليم، تربيت، روشنگري افكار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مركزي براي حركت، آگاهي، نهضت و افشاي اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژيم طاغوت شد. در دوره مشروطيت هم همين طور بوده است ؛ در دوره ملي شدن صنعت نفت هم تا حدودي همين طور بود ؛ در زمان انقلاب هم كه اين مسأله، به حدّاعلي رسيد.
ملت ايران بايد مساجد را مغتنم بشمارد و پايگاه معرفت و روشن بيني و روشنگري و استقامت ملي به حساب آورند. اگر كسي خيال كند كه در مسجد، فقط چند ركعت نماز مي خوانند و بيرون مي آيند و اين چه تأثيري دارد، خطاست. اين طور نيست. اوّلاً اگر همان چند ركعت نماز هم با چشم بصيرت نگاه شود، خودِ نماز كه به زبان مُشَرِّع مقدّس نماز و اذان، خيرالعمل و فلاح است، مايه بركات زيادي مي شود. نماز يک ملت را به قيامِ للّه وادار مي كند. نماز انسانها را از فساد دور و به خلوص و فداكاري نزديک مي كند.
علاوه بر آن، مسجد فقط براي نماز نيست ؛ در مسجد انواع عبادات هست. از جمله آن عبادات، تفكر است كه «تفكر ساعة خير مِن عبادة سنة» ، يا در بعضي از روايات است كه «من عبادة اربعين سنة»، يا «سبعين سنة» - البته فكر كردن درست - افراد مسجد برو، اين فكر را به وسيله شنيدن سخنان عالم دين و فقيه به دست مي آورند.
بنابراين مسجد، هم مدرسه است، هم دانشگاه، هم مركز تفكر و تأمل، هم مركز تصفيه روح، هم مركز خلوص و مركز اتّصال بنده به خداست. ارتباط زمين و آسمان است. جايي است كه انسان خود را به منبع لايزال فيض و قدرت

وصل مي كند. انسان در مسجد، خود را به خدا متصّل مي كند.
بنابراين بايد قدر مساجد را دانست. بايد در مساجد حضور پيدا كرد. بحمداللّه به بركت انقلاب در اين سالهاي اخير، اين معنا زياد شده و كيفيّت پيدا كرده است. همه شنيديد كه امسال در ايام اعتكاف در ماه مبارك رجب، در بسياري از مساجد سراسر كشور، جوانان ما، زنان و مردان از قشرها و سنين مختلف، رفتند و در مسجد ماندند ؛ سه روز روزه گرفتند و با خدا مأنوس شدند. بعد از آن هم با گريه و اشك و آه، مسجد را وداع گفتند و بيرون آمدند، تا براي سال آينده آماده شوند.
عزيزان من! اين براي يک جامعه، علامت خوبي است. «الذين ان مكنا هم في الارض اقاموا الصلوة» ، علامت يک حكومت الهي، علامت يک حركت صحيح و داراي جهتگيري صحيح است. اين را جدّي بگيريد و تقويت كنيد.
بحمداللّه مسأله تنظيف و تطهير و پاكسازي و غبارروبي و عطرافشان مساجد - كارهايي كه اين روزها انجام مي گيرد - همه جزو كارهاي خوبي است كه بحمداللّه انجام هم مي گيرد و خوب است كه انجام دهيد.
و امّا آن مطلب اصلي كه مي خواهم با شما مردم عزيز قم مطرح كنم: قم قبّةالاسلام، مركز اسلام، مركز روحانيت و دين است و براي انقلاب ما - هم در دوره انقلاب، هم در دوره جنگ و دوره مبارزه با گروهكها - مركز بسيار مهمي بوده است. حوزه مباركه قم هم كه حقيقتاً يک كلمه طيّبه و شجره طيّبه است - «اصلها ثابت و فرعها في السماء، توتي اكلها كلّ حين باذن ربّها» - و خيلي داراي عظمت است. مردم و جوانان و نيروهاي حزب اللّهي و مؤمن قم، هم كه جاي خود دارند.
حقيقتاً قم مركز مهمّي در جهان اسلام و در ميان شهرهاي كشور ماست. اين مطلب را هم بايد با شما مردم قم در ميان گذاشت كه حقيقتاً «السّابقون الاوّلون» هستيد. معروف است كه بقاي هر چيز، با همان عواملي تأمين مي شود كه حدوث آن شي ء، با آن عوامل تأمين شده است. في الجمله اين حرف، حرف درستي است. يعني اگر مثلاً براي تداوم و بقاي انقلاب اسلامي ايران، دنبال عاملي مي گرديم، بايد نگاه كنيم و ببينيم شروع و حدوث اين انقلاب، با چه عواملي شد. اگر آن عوامل را در جامعه تأمين كنيم، انقلاب تداوم پيدا مي كند. يک حركت كه با عامل خاصّي و با يک قدرت آغاز شده است ؛ ادامه آن حركت هم با همان عامل خاصّ است.
عوامل حدوث انقلاب چه چيزهايي بود؟ عوامل متعدّد و فراواني داشت. حدوث انقلاب كه يک عامل نداشت. اين، يک نگاه علمي و جامعه شناسي و تاريخي و دقيق لازم دارد كه انسان نگاه كند و ببيند. البته نگاه هم كردند ؛ اين مسائل هم مكرراً بحث شده است.
انقلاب، عوامل گوناگوني داشته است كه شناخت آن عوامل، خود يک بحث طولاني و علمي و مفصّلي است ؛ اما آن چيزي را كه انسان مي تواند به عنوان روح و رقيقه موجود در همه اين عوامل معرفي و به آن اشاره كند، توجه به خدا، انجام تكليف الهي و قيام للّه - براي خدا قيام كردن - است. درست است كه ممكن بود انگيزه هاي گوناگوني در ذهن بعضي از افراد باشد - فرض بفرماييد مبارزه با ديكتاتوري رژيم طاغوت و مبارزه با فساد - همه اينها درست است.
اين انگيزه ها در ذهن همه بود و جزو مؤثّرات اين انقلاب هم بود ؛ ليكن علت كارايي همين عوامل و مؤثّرها هم اين بود كه با روح ديني و با احساس تكليف همراه بود. چون مبارزه با استبداد، با فساد، با وابستگي، با عقب افتادگي و فقر و تلاش براي بهسازي زندگي انسانها و رفع فقر از زندگي فقرا و مستضعفان، چيزهايي است كه مورد رضاي الهي است. خداي متعال انسانها را به اين چيزها امر كرده است.
اگر روح ديني باشد، اين عوامل به صورت فراگير در ميان همه اقشار مردم، آن هم به صورت عميق، به وجود مي آيد. لذا اين انقلاب تمام شدني نبود و نيست. اگر عامل ديني نباشد، چند صباحي حركتي مي شود، عدّه اي معيّن و قشر مشخّصي، كاري مي كنند ؛ بعد هم خسته مي شوند. عدّه اي به دنياي خود مي رسند ؛ عدّه اي هم به حكومت و مقام مي رسند ؛ عدّه اي با قدرتمندان سازش مي كنند ؛ عدّه اي مي ترسند ؛ عدّه اي به زندگي راحت خو مي گيرند و عدّه اي مأيوس مي شوند و قضيه تمام مي شود و از بين مي رود! كمااين كه در بسياري از نهضتهاي دنيا، چون اسم خدا، ياد خدا و روح تعبّد و اخلاص نبود ؛ چون يک رهبر الهي و معنوي مثل آن بزرگوار، آن انسان بزرگ، امام راحل

عظيم الشّأن، در ميان آنها نبود، حتي استعدادهاي معمولي هم براي حركت در مبارزه با فساد و استبداد و بدبختيهاي ديگر يک ملت، شکوفا نشد.
اما در اين جا همه آحاد مردم ؛ مردان، زنان، پيرمردان، افرادي که در مدّت عمرشان در مسائل اجتماعي دخالت نداشتند و کساني که در هيچ کار مضرّ و خطردار براي زندگي مادّي خود قدمي نگذاشته بودند، بپاخاستند و بي محابا به خيابانها آمدند. يک غوغاي همگاني به وجود آمد، شد نهضت و انقلاب ؛ آن هم انقلابي که به دنبال خود کاري کرد که در طول تاريخ اسلام - بعد از حکومت صدر اوّل تا زمان ما - اين کار انجام نشده بود ؛ نه در اين جا و نه در هيچ جاي ديگر. آن، چه بود؟ آن، حاکميت قرآن، حاکميت فقه اسلامي و احکام ديني بود. اين که قوانين و اداره امور کشور، بر اساس اسلام شود. اين، سابقه نداشت ؛ هيچ جا سابقه ندارد.
امروز عدّه اي حقيقتاً ناشکري مي کنند. بعضيها نعمت خدا را حقير مي شمرند. يک چيز و يک نابساماني، فرض بفرماييد يک دادگاه در يک جا حکمي کرده است، يا يک بخشدار، يا فرماندار در يک گوشه کشور حرفي زده است، يا يک مأمور دولت برخوردي کرده است که به نظر اينها ناشايسته است، مي بينيد که ناگهان همه چيز را زير سؤال مي برند! انقلاب و حکومت و جمهوري اسلامي و ولايت و اين حرکت عظيم، به کلّي فراموششان مي شود! نمي فهمند چه اتّفاقي افتاده است!
عزيزان من! مسلمانان هوشمند و انسانهاي برجسته از اکناف عالم، اکنون که قريب هجده سال از پيروزي انقلاب مي گذرد، گاهي مي آيند و با ما ملاقات مي کنند و به ما مي گويند شما خودتان که در انقلابيد، درست نمي دانيد که چه اتّفاقي در ايران افتاده است! اين حادثه، يک حادثه غير قابل توصيف است!
در کشوري که مأمن استکبار و پايگاه امريکا بود، سرانش نوکران حلقه به گوش قدرتهاي جهاني بودند، ثروتش در بين خانواده هاي حاکم تقسيم مي شد، از دين روزبه روز کاسته مي شد، مردم روزبه روز و به زور، به بداخلاقي و فساد اخلاقي و فساد جنسي سوق داده مي شدند، انسان بيايد و حکومتي مستقل، آزاد، شجاع و مردمي درست کند! رؤسا و مسؤولين کشور، رؤساي قوا، انسانهاي مؤمن و علماي باللّه! کارکنان، نظاميان، ارتش، سپاه و نمايندگان مجلسش ؛ همه مردمان مؤمن، متعبّد، متديّن و بعضي نافله خوان و نماز شب خوان هستند! اين کشور در مقابل قدرتي مثل قدرت امريکا مي ايستد ؛ نمي ترسد و واهمه نمي کند ؛ منافع کشور را به بيگانگان نمي دهد.
اينها چيزهاي بزرگ و عظيمي است. حالا يک گوشه هم به فرض، يک اشکال يا يک نابساماني وجود دارد - يکي، دوتا، صدتا - مگر در زمان حکومت اميرالمؤمنين عليه السّلام، نابساماني، خلاف و بداخلاقي نبود؟ مگر حدّ شرعي نبود؟ مگر دزدي نبود؟ البته با دزد برخورد مي کنند. آن جايي بد است که با درد و با فاسد و مفسد برخورد نشود و کارهاي بد و بي ديني تشويق شود!
تربيت يک جامعه و يک ملت بزرگ، در طول چند سال کوتاه که عملي نيست. بر اين حادثه عظيمي که اتّفاق افتاده است، ديگران شهادت مي دهند ؛ خود ما هم هر وقت فکر و دقّت کنيم، خواهيم ديد حرکت خيلي عظيمي شده است. علّت اين هم که مي بينيد امريکا، صهيونيست، کمپانيهاي جهاني، غارتگران بين المللي، قلدرهاي معروف دنيا و دزدها سرگردنه عالم، به هيچ قيمتي حاضر نيستند با اين نظام آشتي کنند، همين است که کار، کار عظيمي است ؛ حرکت، حرکت عظيمي است.
يک ملت، انقلابي با آن عظمت به وجود آورد، که اين قيام مردم، چنين دستاورد عظيمي هم به دنبال خود داشته باشد و برکت و اثر آن باشد. بعد هم به اين اکتفا نکنيد ؛ کار به اين هم منتهي نمي شود.
اين نظام در طول سالهاي اوّل ولادت خود، دست اندرکار مبارزه با يک توطئه حساب شده همه جانبه اي از سوي قدرتمندان درجه يک عالم - شوروي آن روز و امريکا - شد. بحمداللّه شوروي متلاشي شد و از بين رفت و اين يکي با هزار مشکل و دردسر براي خودش مانده است و ديگر قدرتهايي که در دنيا بودند و مجموعه هاي نظامي و غيره که به صورت جنگ تحميلي جلوه کرد. اين ملت و اين انقلاب توانست در مقابل همه اينها بايستد و آنها را ناکام کند.
مگر شوخي است؟! هر يکي از اينهايي که گفتم، مي تواند يک نظام و يک رژيم حکومتي را خُرد و خمير کند ؛ از بين ببرد و يک ملت را به زانو درآورد! آن محاصره اقتصادي، آن مقابله هاي نظامي، آن جنگ طولاني و آن جنگ

تبليغاتي عظيم! باز هم نتوانستند. جنگ را هشت سال هم كش دادند، اما نتوانستند يک وجب از خاک اين كشور را تصرف كنند و نگهدارند. هر چه را گرفته بودند، اين ملت از چنگشان بيرون كشيد.
اين، هنر اين انقلاب و نظام بود ؛ هنر اين حكومت بود. بعد هم شروع به سازندگي كرد. گفت حالا جنگ تمام شد، شروع به ساختن كشور مي كنيم. اين هم سازندگي! شما امروز هر جاي كشور كه مي رويد، بحمداللّه كار و تلاش و سازندگي است. ملت، دولت، مسؤولين بالا و پايين، همه و همه در تلاشند. اين، اثر و هنر انقلاب است و ادامه پيدا خواهد كرد. اين سازندگي، در آينده هم ادامه پيدا خواهد كرد. اين حركت به سوي رفاه و كمال دنيايي و آخرتي و مادّي و معنوي، در آينده هم ادامه پيدا خواهد كرد. اين ملت از ميدان خارج نخواهد شد.
اينها به بركت دين است. اين، كار يک انقلابِ جداي از دين نيست ؛ كار احزاب و ايدئولوژيها و شخصيّتها نيست ؛ كار ايمان ديني اين مردم است. پس اين، عامل اصلي است. شما بايد اين عامل اصلي را حفظ كنيد. اين ملت بايد حفظ كند.
البته از حق نبايد گذشت. خداوند اين ملت را رحمت كند و بركاتش را بر اين ملت روزبه روز بيشتر نازل فرمايد. خداوند همه آحاد اين ملت را مشمول فضل و رحمت خود قرار دهد. از اوّل انقلاب تا امروز، مردم در جهات ديني خيلي پيشرفت كرده اند. هر پديده اي را نگاه كنيد، مي بينيد كه اين طور است. مساجد بهتر شده است ؛ ماه رمضانها و مجالس روضه خواني بهتر شده است ؛ شوق مردم به عتبات مقدّسه و صدقات جاريه بيشتر شده است ؛ وجوهات بريّه و كمک به كارهاي نيک، مسجدسازي، مدرسه سازي و ظواهر ديني بهتر شده است.
علي رغم اين كه بعضي وقتي چيزي را در گوشه اي مي بينند، فوراً مي گويند كه چرا اين گونه شده است ؛ اغلبِ موارد بهتر شده است. اگر دقيق شويد، خواهيد ديد كه اين چيزها از پانزده سال پيش - از ده سال پيش - بهتر هم شده است. اين، حركت به پيش است. اين را بايد در ماه رمضان تقويت كنيد.
ماه رمضان، ماه ذخيره سازي و ماه نيرو گرفتن است. ماه رمضان، ماهي است كه آحاد مردم بايد خود را به خزائن غيبي و معنوي الهي برسانند و هر مقدار كه مي توانند، تغذيه كنند ؛ خود را براي پيشرفت آماده كنند. اين، ماه رمضان است.
ليلةالقدري كه در اين ماه رمضان است و قرآن صريحاً مي فرمايد:«ليلةالقدر خيرٌ مِن الف شهر» ، يک شب بهتر است از هزار سي روز - هزار ماه - بسيار مهم است. چرا اين قدر فضيلت را به يک شب دادند؟ زيرا بركات الهي در اين شب زياد است ؛ نزول ملائكه در اين شب زياد است ؛ اين شب، سلام است ؛ «سلام هي حتّي مطلع الفجر» ؛ از اوّل تا آخر اين شب، لحظاتش سلام الهي است. «سلام قولا مِن ربّ رحيم» . رحمت و فضل الهي است كه بر بندگان خدا نازل مي شود.
ليلةالقدر، شب ولايت است. هم شب نزول قرآن است، هم شب نزول ملائكه بر امام زمان است، هم شب قرآن و شب اهل بيت است، هم شب قرآن و هم شب عترت است. لذا سوره مباركه قدر هم، سوره ولايت است.
شب قدر خيلي ارزش دارد. همه ماه رمضان، شبها و روزهايش ارزش والا دارد. البته ليلةالقدر نسبت به روزها و شبهاي ماه رمضان، خيلي فاخرتر است ؛ اما شبها و روزهاي ماه رمضان، نسبت به روزها و شبهاي بقيه سال، خيلي فاخرتر است. بايد قدر بدانيد. در اين روزها و در اين شبها، همه بر سر سفره انعام الهي حاضريد. استفاده كنيد.
در اين ماه، هر كار نيكي بكنيد، هر سخن حقي بگوييد، هر كلمه اي را به كسي كه محتاج تعليم است، تعليم دهيد، هر كلمه اي كه براي خدا فراگيريد و در راه خدا به كار شما بيايد ؛ هر ركعت نماز، هر آيه قرآن، هر ساعت گذراندن با دهان روزه و هر اجتناب از گناهي، باارزش است. دروغي نگوييد و غيبتي نكنيد كه زمينه براي دروغ و غيبت مقتضي است. شما اجتناب و امتناع كنيد.
هر عمل حسنه اي كه انجام دهيد، احسان، اطعام و كمک به كسي، احوالپرسي از مستحقي، اقدامي براي مردم محروم، اقدامي براي جامعه اسلامي، كاري براي پيشرفت زندگي مردم ؛ همه اينها عبادت است.
ما عبادات فردي، عبادات اجتماعي و عبادات سياسي داريم ؛ عبادات ناب و خالص داريم كه مربوط به نيمه شبهاست، مال هنگام دعا و مناجات و هنگام سخن گفتن با خدا و تضرّع است. هر كدام از اينها يک درجه است. هر

كدام از اينها، شما را مثل پولاد آبديده محكم مي كند ؛ اين جوانان را مستحكم مي كند ؛ آنها را خلل ناپذير و در مقابل نفوذ شيطان، نفوذ دشمن، نفوذ عوامل فساد و در مقابل تهاجم فرهنگي، آسيب ناپذير مي كند.
در مقابل اين نيرنگهاي فرهنگي كه براي جلب دلهاي ساده بعضي از افراد به كار مي برند و دامهايي كه در سر راه جوانان مي گسترانند، جاذبه هايي هم هست كه كسي به جز نفس خود انسان نمي گستراند! يک جا پول است، يک جا شهوت، يک جا مقام، يک جا لذّتي است كه خداي متعال به آن لذّت راضي نيست ؛ اين جا كسي شما را وادار نمي كند، نفس شماست كه آن دشمنترين دشمنان شماست. «اعدي عدوّک نفسک التي بين جنبيک» . روزه انسان را در مقابل همه اينها نفوذناپذير و آسيب ناپذير مي كند. قدر اين ماه را بدانيد.
در روزهاي دوران اختناق هم وقتي عناصر مؤمن مي خواستند در مقابل فشار دستگاه حاكم و در مقابل وسوسه ها و اغواهاي زندگي راحت - كه آنها را وادار مي كرد مبارزه را كنار بگذارند - مقاومت كنند، به روزه روي مي آوردند.
عبادات خدا اين گونه است. حضور در مقابل پروردگار اين طور است. نماز كه مي خوانيد، آرامش پيدا مي كنيد.از اضطراب و تلاطم روح نجات پيدا مي كنيد. وقتي با خداي متعال مناجات و تضرّع مي كنيد، جان خودتان را تصفيه و با صفا مي كنيد، آلودگيها را از آن دور مي كنيد. روزه كه مي گيريد، خودتان را مثل فولاد، محكم و آبديده مي كنيد. اين گونه است.
آنچه كه به وسيله عبادات به دست ما مي آيد، خيلي خيلي باارزش است ؛ خيلي زياد است. بايد خدا را شكر كنيم كه براي ما نماز و روزه و عبادات را آورد ؛ به ما امكان داد كه اين بهره ها را براي خودمان فراهم كنيم.
آقايان محترم كه به شهرهاي مختلف تشريف مي بريد و با مردم حرف مي زنيد! به جوانان اقبال كنيد ؛ حقايق ديني را صريح با مردم در ميان بگذاريد ؛ ارواح و نفوس مردم را تصفيه كنيد. مردم احتياج دارند ؛ اهل شنيدن و باور كردن و پذيرفتن هستند. دلها پاک است. آيات كريمه قرآن و روايات نوراني اهل بيت را با دقّت، با تأمّل، با تدبّر و با بيان شافي و وافي مطرح كنيد. آن چيزهايي را كه متضمّن نصايح اخلاقي و هدايتهاي فكري است و به ذهنها نور مي افشاند، به اين دلها فرو بخوانيد. آنها را هدايت كنيد.
مراقب باشيد كه مبادا منبر ما، صحبت، نصيحت و حرف زدن ما، كسي را دچار شبهه كند ؛ ذهني را دچار گره كند و او را از خدا و نماز و منبر و محراب و امثال آن دور و بيزار كند. لُبّ دين، يعني همان را كه در روايات محكم - البته نه روايات ضعاف - و آيات كريمه قرآن است، بر اين دلها و ذهنها بخوانيد ؛ اينها استقبال مي كنند ؛ دلهايشان پاک و صاف مي شود.
اميدواريم در اين ماه مبارک رمضان، خداوند الطاف و بركات خود را بر شما ملت عزيز و امتحان داده و ثابت قدم در راه خدا، روز به روز بيشتر و بيشتر نازل فرمايد.
پروردگارا! اين ماه مبارک را براي اين ملت و براي آحاد ما، به معناي حقيقي كلمه، مبارک بگردان. پروردگارا! ارواح طيّبه شهدا و روح مبارک امام راحل رضوان اللّه تعالي را در اعلي عليّين جاي بده.
پروردگارا! قلب مقدّس ولي عصر ارواحنا فداه را كه اين ماه، ماه آن بزرگوار و ليلةالقدر، شب آن بزرگوار است، از ما راضي و خشنود بگردان.
پروردگارا! ما را موفّق به زيارت آن بزرگوار، جهاد در ركاب آن بزرگوار و شهادت در پيش روي آن بزرگوار بگردان.
والسّلام عليكم و رحمةاللّه بركاته